

دیالوگ دراماتیک در قرآن کریم در چارچوب نظریه گفتمانی: بررسی موردی رخدادهای گفتاری حضور فرشتگان در منزل حضرت ابراهیم (ع)

بهروز محمودی بختیاری*

دانشیار گروه هنرهای نمایشی دانشگاه تهران،
تهران، ایران

ساغر منشی**

کارشناس ارشد ادبیات نمایشی دانشگاه تهران،
تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۳۰، تاریخ تصویب: ۹۷/۰۴/۰۲، تاریخ چاپ: مهر ۱۳۹۷)

چکیده

بخش عمده‌ای از آیات قرآن کریم در قالب تعامل گفتاری بیان شده‌اند و از منظر گفتمان دراماتیک قابل بررسی‌اند. در این پژوهش، نخست انواع مختلف دیالوگ و همین‌طور تعاریف و مفاهیم اصلی آن‌ها مرور می‌شوند و سپس گفتمان و دیالوگ به‌مثابه گفتمان مورد توجه قرار می‌گیرند. در ادامه در چارچوب مذکور، از دایره گسترده دیالوگ‌های قرآنی بر رخداد گفتاری حضور فرشتگان در منزل حضرت ابراهیم (ع) تمرکز می‌شود که در آیاتی از سوره‌های هود، حجر، عنکبوت و ذاریات مطرح شده‌است. همچنین ضمن مرور دنباله‌ها و نوبت‌های گفتاری در آیات پیش‌گفته، تحقق یا عدم تحقق شاخص‌های هر یک از اقسام دیالوگ در این رخداد نیز بررسی می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت که تعاملات موجود در رخداد گفتاری حضور فرشتگان در منزل حضرت ابراهیم (ع) کم‌وبیش هم‌سو و منطبق با چارچوب گفتمان دراماتیک و واجد ویژگی‌های ساختاری و کارکردی تبیین شده‌اند؛ در نتیجه می‌توان آن‌ها را بدون تغییر یا با اعمال کمترین تغییرات در اقتباس‌های قرآنی مورد استفاده قرار داد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، تحلیل گفتمان، دیالوگ دراماتیک، ادبیات نمایشی.

* E-mail: mbakhtiari@ut.ac.ir: نویسنده مسئول

** E-mail: smaneshi@alumni.ut.ac.ir

۱- مقدمه

تعامل گفتاری به‌عنوان یکی از نخستین نشانه‌های ارتباط میان افراد در جهان پیرامون ما، به‌طور طبیعی از عناصر اصلی در ساختار جهان دراماتیک نیز به‌شمار می‌رود. حال آنکه به‌تبع تفاوت‌های موجود میان واقعیت و درام، بدیهی است که عنصر کلام نیز در این دو جهان در عین شباهت، متفاوت باشد. می‌توان گفت که نه تنها هر سخن مستقیم، جزئی از یک تعامل گفتاری نیست، بلکه هر تعامل گفتاری نیز لزوماً دیالوگی دراماتیک نخواهد بود. به‌بیان دیگر دیالوگ دراماتیک به‌مثابه گفتمان واجد ویژگی‌ها، ساختار، اهداف و کارکردهایی است که آن را به‌عنوان بستر اصلی پیشبرد طرح، فضاسازی و شخصیت‌پردازی در یک اثر مطرح می‌کند و تا مرز شمول بر دغدغه‌های عمیق آن بالا می‌برد.

شاید همین قدرت نهفته در دیالوگ است که آن را به‌یکی از پررنگ‌ترین شیوه‌های بیان مباحث در قرآن کریم بدل ساخته است. در قرآن مباحث و موضوعات گوناگون، ضمن به‌کاربردن شیوه‌هایی متناسب با مسئله مورد بحث، بیان می‌شوند. در این بین استفاده از کلام مستقیم بیش از سایر روش‌ها به‌چشم می‌خورد؛ کلام مستقیمی که در بسیاری موارد از قالب یک‌سویه خارج می‌شود و شکلی رفت‌وبرگشتی به‌خود می‌گیرد. در نتیجه بخش عمده‌ای از آیات قرآن کریم، مشتمل بر تعاملات گفتاری‌اند.

این تعاملات گاهی تنها به‌صورتی مفروض و انتزاعی در جهت روایت، توصیه یا پیش‌بینی به‌کار می‌روند و گاهی بیان یک رخداد را در نقطه‌ای به‌خصوص از محور زمانی ازل تا به‌ابد، در جهانی واقعی یا تمثیلی در برمی‌گیرند. در این بین، طبیعتاً تعاملات گفتاری در بستر قصص قرآنی، بیش از سایر موقعیت‌ها مشاهده می‌شوند؛ قصصی که بیشتر با محوریت پیامبران و دین‌سروران در جریانند. در این دایره، پس از حضرت موسی (ع)، پیامبر قوم یهود، بخش عظیم دیگری از آیات قرآن کریم به‌حیات، نبوت و دعوت ابراهیم نبی (ع) معطوف شده‌اند که موقعیت‌های نمایشی ارزشمندی را نیز در برمی‌گیرند. در پژوهش پیش‌رو، مقطع حضور فرشتگان در منزل حضرت ابراهیم (ع) به‌عنوان یک رخداد گفتاری از مجموعه آیات سوره‌های هود، حجر، عنکبوت و ذاریات، ضمن ارائه چارچوبی دقیق، جامع و شامل در باب دیالوگ به‌مثابه گفتمان بررسی می‌شود.

۲- ملاحظات نظری

۱-۲- انواع دیالوگ

۱-۱-۲- دیالوگ غیر دراماتیک، مکالمه^۱

در تعریفی عام می‌توان گفت که هر جریانی از سخن که بین حداقل دو شرکت‌کننده شکل بگیرد، ساختار پایه «مکالمه» را می‌سازد (یول، ۱۳۹۱، ۹۴). ساختاری که برای شکل‌گیری و تداوم آن صرف تبعیت شرکت‌کنندگان از یک الگوی من-تویی و درک متقابل آن‌ها از یکدیگر کفایت می‌کند (Herman, 1995, p.1). مکالمه می‌تواند در قالب اشکال مختلف ارتباط گفتاری متجلی شود؛ برای نمونه، فروشنده و خریدار با هم مذاکره می‌کنند، بین دو رقیب سیاسی، بیشتر مناظره یا مشاجره جریان دارد، دوستانی که دغدغه جدی درباره فهم موضوعات مشترک ندارند، با هم گپ می‌زنند و همین دوستان در پی دغدغه‌ای جدی به بحث سوق می‌یابند (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۱، ۱۴۷). همچنین چنانچه مشاهده می‌شود، از آنجا که زبان به‌عنوان ابزار گفتار در بن پدیده‌ای جمعی است، تعامل زبانی و ارتباط گفتاری نیز ناگزیر اجتماعی خواهند بود (بوهم، ۱۳۸۱، ۴۰).

۲-۱-۲- دیالوگ دراماتیک، گفتگو^۲

شکل کامل و استاندارد دیالوگ دراماتیک را می‌توان به‌عنوان قالبی پیوسته و نامنقطع از ارتباط دوطرفه بین دو یا چند شخصیت تعریف کرد (فیستر، ۱۳۸۷، ۱۷۰). از آنجا که درام معرف یک الگوی ناب مرآوده اجتماعی است، گفتگوها یا دیالوگ‌های دراماتیک با آن چیزی که به‌واقع در مکالمات زبانی روزمره اتفاق می‌افتد، شباهت بسیار محدودی دارند (الام، ۱۳۹۲، ۲۲۰). قالب دیالوگ‌های دراماتیک، در آغاز سراسر شعر بوده‌است (مکی، ۱۳۷۱، ۱۲۵). امروزه نیز برخی عناصر مانند ریتم کماکان و البته به‌شکلی دیگر، از مهم‌ترین ویژگی‌های کلام دراماتیک محسوب می‌شوند (مکی، ۱۳۷۱، ۱۳۳). از سوی دیگر گفتگوهای دراماتیک در مقایسه با مکالمه روزمره، از انضباطی نسبی برخوردارند و همین نظم نسبی متون دراماتیک، امکان تکرار پذیری آن‌ها را به‌وجود می‌آورد (الام، ۱۳۹۲، ۲۲۱). همچنین در درام اشخاص

۱. Conversation

۲. Dialogue

بازی، لزوماً باید معرف قطب‌های مخالف یکدیگر باشند و وجه مشخصه رابطه متقابل آن‌ها میزان بالایی از تنش در نظر گرفته می‌شود (فیستر، ۱۳۸۷، ۱۷۰). تنشی که محصول شرایط متضاد و یکی از اساسی‌ترین عناصری است که دیالوگ بدان استوار می‌شود (نوبل، ۱۳۹۲، ۳۵).

افزون بر این، دیالوگ به‌عنوان ابزار ذاتی درام مقدم بر آنکه بازنماینده جهان باشد، خود خالق یک جهان است (Herman, 1995, p.11). جهانی که به‌دلیل حضور مخاطبی خارج از خود، به‌لحاظ معنایی بسیار پیچیده‌تر از جهان واقع پیش می‌رود و این پیچیدگی مسلماً به‌گستره کلام دراماتیک نیز سرایت می‌کند (فیستر، ۱۳۸۷، ۱۳۹). از سوی دیگر مخاطب درام با مخاطب گونه‌های دیگر ادبی مانند رمان و شعر یک تفاوت عموماً ثابت نیز دارد؛ آن هم این است که شاعر و رمان‌نویس، مخاطب خود را غالباً تنها تصور می‌کنند، حال آنکه نویسنده درام، همواره مخاطبان خود را یک گروه در نظر می‌گیرد (Styan, 1988, p.2).

۲-۱-۳- تک‌گویی^۱

تک‌گویی یا مونولوگ به‌گفتاری خاص اطلاق می‌شود که بنابر معیاری ساختاری و به‌علت طول، استقلال و کمال نسبی خود از دیالوگ متمایز است (فیستر، ۱۳۸۷، ۱۶۸). یک مونولوگ دراماتیک با توجه به ویژگی‌های شکلی آن در کامل‌ترین شکل خود مشتمل بر هفت شاخصه است: گوینده، شنوندگان، موقعیت، افشای بی‌پرده شخصیت، تعامل گوینده و شنونده، کنش دراماتیک و کنشی که در زمان حال حاضر درام روی می‌دهد (Byron, 2003, p.8). با وجود آنکه امروزه تک‌گویی شکل نسبتاً ابتدایی بیان دراماتیک شمرده می‌شود که بیشتر در موارد غیرمعمول، مانند دیوانگی کاربرد دارد (بولتن، ۱۳۸۲، ۹۴)، کماکان استفاده درست و مؤثر از مونولوگ‌ها به‌عنوان قدرتمندترین ابزار درام‌نویس برای بیان احساسات به‌شمار می‌رود. احساساتی که به‌چنان آستانه‌ای رسیده‌اند که دیگر بی‌وقفه به‌بیرون ریخته می‌شوند. در چنین زمانی است که از لزوم گفتگوی رفت‌وبرگشتی کاسته و امکان بیان عمق احساسات از طریق مونولوگ مهیا می‌شود (نوبل، ۱۳۹۲، ۳۰).

۱. Monologue

۲-۱-۴- خودگویی^۱

خودگویی معادل اصطلاح سولی لوک در زبان فارسی و به معنای آن است که «شخصیت‌هایی داریم که فکر می‌کنند و با خود درباره چیزی که بدان فکر می‌کنند، سخن می‌گویند.» (نوبل، ۱۳۹۲، ۱۴۱). خودگویی بر اساس معیار تنها و بی مخاطب بودن گوینده آن در تقابل با دیالوگ قرار می‌گیرد و در عین حال متفاوت از مونولوگ در نظر گرفته می‌شود. در تعریفی کامل‌تر، قاعده بر این است که سولی لوک را فردی بر زبان می‌آورد که تنهاست یا چنان بازی می‌کند که گویی تنهاست. از همین رو در برخی منابع از «تنهاگویی» نیز به عنوان معادل این اصطلاح استفاده کرده‌اند (فیستر، ۱۳۸۷، ۱۶۸).

۲-۱-۵- کنارگویی^۲

کنارگویی یا «باخودگویی» شکل چهارم بیان دراماتیک در ادامه مفاهیم دیالوگ، مونولوگ و سولی لوک است که رواج آن به شکلی قراردادی و معمول، به تئاتر سبک الیزابت بر می‌گردد (پرونر، ۱۳۸۵، ۱۸۳). در تعریفی کلی می‌توان گفت که کنارگویی بیشتر به تک‌گویی کوتاهی شباهت دارد که از زبان شخصیت بیان می‌شود و دیگر شخصیت‌ها قادر به شنیدن آن نیستند (پرونر، ۱۳۸۵، ۱۸۳). کنارگویی از این منظر که رفت و برگشتی نیست و بدون شک تغییر جهت معنایی ندارد، در مقابل مفهوم دیالوگ، از این منظر که هیچ شنونده‌ای حقیقی یا فرضی - بر صحنه ندارد، در مقابل مونولوگ و در نهایت از این منظر که گوینده آن تنها نیست، بلکه تنها دیگر اشخاص بازی آن را نمی‌شنوند، در مقابل اصطلاح سولی لوک است (فیستر، ۱۳۸۷، ۱۸۱).

در ادامه این مبحث و پس از جمع‌بندی ویژگی‌های انواع دیالوگ در جدول ۱-۱، گفتمان و دیالوگ به مثابه گفتمان بررسی می‌شوند.

۱. Soliloquy

۲. Aside, Aparte

جدول ۱-۱ جمع‌بندی ویژگی‌های انواع دیالوگ

مخاطب در جهان جاری	عامل بیانگر	نقش کاربردی	تأثیر از سبک	میزان بروز احساسات	لزوم وجود تشبیه و کشمکش	لزوم جهت‌گیری فکری طرفین	طول نسبی هر نوبت	فونیکری	قاعده‌مندی	نظارت بر زمان	تعامل و رفت‌وبرگشت کلام	تعداد افراد	معیارها / انواع دیالوگ
+	۱	اجتماعی و صحبت‌گشایانه	-	کم	-	-	نامشخص	نامدون	-	-	+	۱ <	دیالوگ غیر دراماتیک
+	۲	توصیفی و اطلاعاتی	+	زیاد	+	+	محدود و معین	مدون و از پیش تعیین شده	+	+	+	۱ <	دیالوگ دراماتیک
+	۲	توصیفی و اطلاعاتی	+	زیاد	-	-	طولانی و مستقل	مدون و از پیش تعیین شده	+	+	-	۱ <	تک‌گویی
-	۲	توصیفی و اطلاعاتی	+	زیاد	-	-	محدود و معین	مدون و از پیش تعیین شده	+	+	-	۱	خودگویی
-	۲	توصیفی و اطلاعاتی	+	زیاد	-	-	محدود و معین	مدون و از پیش تعیین شده	+	+	-	۱ <	کنارگویی

۲-۲- گفتمان و دیالوگ به مثابه گفتمان

اصطلاح گفتمان از اهمیت و کاربردهای بسیاری برخوردار است و خود به‌منظور تبیین دایره گسترده‌ای از مفاهیم به‌کار می‌رود. به‌طور کلی، بروز سخن را گفتمان تلقی می‌کنند و این مفهوم به‌شکلی گسترده، همه واحدهای بزرگ‌تر از واحد نحوی پایه، یعنی جمله را در هر قالبی، اعم از گفته و نوشته در برمی‌گیرد (Herman, 1995, p.1). بنابراین بدیهی است که تحلیل گفتمان که از آن زیر عناوین «تحلیل کلام» یا «سخن‌کاوی»^۱ نیز یاد می‌کنند، فعالیت‌های متعددی را در بر می‌گیرد؛ حال آنکه به‌وقت تحلیل گفتمان در محدوده زمینه‌های زبانشناختی، توجه به توصیف فرایند کاربرد زبان، برای بیان منظوری خاص و در بافتی مشخص، معطوف می‌شود (یول، ۱۳۹۱، ۱۰۹ و ۱۱۰).

۱. Discourse Analysis

سطح گفتمانی درام، در واقع نخستین سطحی است که به تماشاگر یا شنونده یک اثر نمایشی، به شکلی بلافصل از طریق دیالوگ ارائه می‌شود (الام، ۱۳۹۲، ۱۶۹). بنابراین آن زمان که می‌خواهند دیالوگ دراماتیک را فقط در گستره گفتمانی مطالعه کنند، تعریفی از مفهوم گفتمان را در نظر می‌گیرند که آن را در رابطه‌اش با بروز سخن از طریق قالب‌های زبانی‌ای قرار می‌دهد که به طور مشخص، شکل دیالوگ را به عنوان موقعیت تعامل خود اتخاذ نموده‌اند (Herman, 1995, p.3). در نتیجه بررسی دیالوگ دراماتیک به مثابه گفتمان، به تبع در نظر گرفتن آن به عنوان یک نظام تبادل سخن میسر می‌شود، نظامی که یک اصل ساختاری اساسی را رعایت می‌کند که همانا تعاملی و رفت‌وبرگشتی بودن است. همچنین از آنجا که این گونه نمونه، از یک سو می‌تواند هم به صورت دراماتیک و هم به شکل غیردراماتیک روی دهد و همچنین از سویی دیگر ستون فقرات گستره مطالعات تعامل گفتاری شامل جنبه‌هایی نظیر تناوب نوبت‌ها، طول نوبت‌ها، مجموع حجم کلام، توزیع نوبت، وقفه و نظارت بر موضوع می‌شود که قابل اعمال بر انواع گفتگوهای دراماتیک نیز است؛ تلفیق دو مفهوم مکالمه و گفتگو در این مطالعات، پیشامدی محتمل خواهد بود (Culpeper, 2014, pp.172 & 173).

در هر تعامل گفتاری یا ارتباط کلامی، چنانچه رومن یاکوبسن^۱ (۱۳۶۹) در مقاله «زبان‌شناسی و شعرشناسی»^۲ تبیین می‌کند، اجزای ثابتی وجود دارند: گوینده، پیامی که به مخاطب انتقال داده می‌شود، زمینه‌ای که یا کلامی باشد یا بتوان آن را بیان کرد، رمزی که هم گوینده و هم مخاطب آن را به طور کلی - یا دست کم جزئی - بشناسند، و سرانجام تماس، یعنی مجرای جسمی و پیوندی روانی بین گوینده و مخاطب که به هر دوی آنان امکان می‌دهد با یکدیگر ارتباط کلامی برقرار کنند و آن را ادامه دهند (فالر، یاکوبسن و لاج، ۱۳۶۹، ۷۶ و ۷۷). در نتیجه، آن زمان که زبان در زمینه بافتی تجلی پیدا می‌کند، معنایی به وسیله گوینده برای مخاطب و در یک موقعیت تولید می‌شود. وابستگی پاره‌گفت به موقعیت به وجود آورنده آن تا اندازه‌ای است که اگر از آن جدا شود، معنای خود را به کلی از دست می‌دهد (پرونر، ۱۳۸۵، ۱۳۷). بنابراین به طور کلی هر چرخه زبانی به طور همزمان، دست کم سه پایه اصلی دارد: گوینده، مخاطب(ان) و بافت زمینه‌ای (اجتماعی، ساختاری، زبانی) (Herman, 1995, p.13).

۱. Roman Jakobson

۲. Linguistics and Poetics

به‌همین دلیل هنگامی که دیالوگ به‌مثابه گفتمان در نظر گرفته می‌شود، معنای آن دیگر معنایی مستقل و یک‌بعدی نیست؛ بلکه معنایی است که با در نظر گرفتن سایر معانی در آن بافت گفتمانی خاص به‌وجود می‌آید. در چنین مواقعی، تعبیر قسمت‌های مختلف دیالوگ در یک گفتمان از چارچوب مستقل و منحصر به‌فرد خود عبور می‌کنند و به‌هم منتقل می‌شوند. این مسئله باعث می‌شود که معنا اغلب در فواصل میان نوبت‌ها به‌وجود آید (Herman, 1995, p.164). معنایی که از دیدگاه موکاروفسکی^۱ با وجود بافتار چندجانبه هر دیالوگ، در مجموع واحد و منحصر به‌فرد است (فیستر، ۱۳۸۷، ۱۶۹).

پس از تبیین تعاریف و مفاهیم اصلی انواع مختلف دیالوگ و همچنین گفتمان و دیالوگ به‌مثابه گفتمان، در ادامه مجموعه مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده در گستره دیالوگ‌های قرآنی مرور می‌شوند.

۳- پیشینه تحقیق

با وجود آنکه قرآن کریم، از جنس کتاب، علم و فرهنگ و بنابراین قابل مطالعه برای جملگی علاقه‌مندان و دغدغه‌مندان در این زمینه است و در طول دوران، دانشمندان و کارشناسان مسلمان و غیر مسلمان در گستره‌های مختلف به‌دفعات به‌بررسی لایه‌های مختلف این کتاب در زمینه تخصص خود پرداخته‌اند، می‌توان گفت که کارشناسان هنرهای نمایشی کمتر این کتاب را محور مطالعات خود قرار داده‌اند. متأسفانه این دایره آن زمان که نوبت به پژوهش‌های جزئی و موشکافانه می‌رسد، به‌مراتب کوچک‌تر نیز می‌شود.

پس از جست‌وجو میان قریب به ده هزار اثر منتشرشده شامل کتاب، مقاله و پایان‌نامه در شاخه‌های مختلف مطالعات قرآنی در سراسر جهان، می‌توان ادعا کرد که معدود مطالعات واجد‌گرایش‌های دراماتیک بر قرآن، بیشتر با نگاهی کلی و به‌منظور تأیید برخورداری این کتاب از ویژگی‌های جامع و شامل یک اثر دراماتیک به‌طور کلاسیک مثل روایت‌مندی، شخصیت‌پردازی، گفتگو‌مندی و ...، خاصه در قصص قرآنی و بی‌گمان بیش از همه در احسن‌القصص انجام شده‌اند. این مطالعات گاهی نیز زیر سایه مطالعات ادبی و زبان‌شناسانه و به‌عنوان پرتویی از کیفیت والای قرآن کریم در این زمینه‌ها صورت گرفته‌اند.

۱. Mukarovsky

در ادامه مطالعات صورت گرفته در زمینه گفتگو و دیالوگ در قرآن کریم - در گستره‌های نمایشی و غیر نمایشی، به وسیله محققان ایرانی و غیر ایرانی - به صورت موردی مرور می‌شوند. از میان محققان ایرانی، خراسانی (۱۳۸۴) در کتاب خود، به بررسی و واکاوی گفتگومحور داستان در بخش‌هایی از قرآن پرداخته است. همچنین تا کنون در زمینه گفتگو در قرآن از سوی محققان ایرانی مقالاتی نیز به چاپ رسیده‌اند؛ در این زمینه طاهری‌نیا، نظری و بخشی (۱۳۸۹) به اهمیت گفتگوی حیوانات و اقسام آن پرداخته‌اند، زینی‌وند و وحیددستجردی (۱۳۹۰) با رویکردی اخلاقی - زبانی، موضوع گفتگوهای قرآنی را مورد توجه قرار داده‌اند، پیامنی (۱۳۹۱) بر عنصر گفتگو در قالب‌های دیالوگ و تک‌گویی در برخی از داستان‌های قرآن تمرکز کرده است، شاکر و اکبری (۱۳۹۲) گستره موضوعی و اقسام گفتگوهای قرآنی را مطالعه کرده و فنائیان‌ها (۱۳۹۳) نیز چگونگی کارکرد انواع گفتگو در قرآن را با تأکید بر آیات ۹ تا ۳۷ سوره طه بررسی کرده‌اند.

همچنین از میان پایان‌نامه‌هایی که در ایران با محوریت موضوعی گفتگو، به مطالعه قرآن کریم پرداخته‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛ صفری (۱۳۷۸) به مرور شیوه‌های گفتگو، شیوه خاص حضرت رسول (ص) و نقش دانشمندان در هدایت انسان با الهام از گفتگوی پیامبران با مردم پرداخته است، میرلوحی (۱۳۸۳) بر موضوعات، اهداف و شیوه بهره‌مندی از فنون ادبی و بلاغی تمرکز کرده و سپهری‌نیا (۱۳۸۸) گفتگوهای قرآنی را با رویکردی توحیدمحور مورد توجه قرار داده است، اکبری (۱۳۹۰) به گفتگو و دیالوگ به مثابه عنصری ادبی پرداخته است که وجود آن به ارزش‌های بلاغی قرآن می‌افزاید، همچنین تبریز (۱۳۹۱) گفتگوهای خداوند با پیامبران و غیر پیامبران را با هدف یافتن علت تبیین گفتگویی مرور کرده و شاددل (۱۳۹۲) عنصر گفتگو را به عنوان عنصری ادبی، با تمرکز بر قصص حضرات نوح (ع) و موسی (ع) مطالعه کرده است.

از میان محققان غیرایرانی نیز تاکنون در گستره‌های غیرنمایشی، سید قطب (۱۹۶۸) *التصویر الفنی فی القرآن* را با هدف مرور اعجاز فنی - کلامی قرآن نگاشته، الخطیب (۱۹۷۵) در فصل سوم اثر خود به مطالعه موردی قصص مربوط به حضرات آدم (ع) و یوسف (ع) با تأکید بر عنصر گفتگو پرداخته و البستانی (۱۳۷۱) نیز در کتاب خود، اغلب داستان‌های قرآن را از دو جنبه هنری و فکری مورد بررسی قرار داده است. همچنین فضل‌الله (۱۳۸۹) اثر خود را در شش فصل و به منظور روش‌شناسی گفتگو، مناظره و مباحثه به رشته تحریر درآورده است. از میان مقالات نیز، می‌توان به مقاله میر (۱۹۹۲) در تبیین مفهوم دیالوگ به عنوان عنصری ادبی و

مشمول بر مرور انواع گفتگوهای قرآنی با مطالعه موردی آیاتی از سوره شعراء و مقایسه گفتگو در قرآن با گفتگو در انجیل و شعر عرب اشاره کرد. به علاوه، در جهان عرب عثمان ضمره (۲۰۰۵) نیز در پایان‌نامه خود آیات گفتگومحور قرآن کریم را با محوریت الگوها، اصول، قوانین و در آخر گفتگوی بین فرهنگی مطالعه کرده‌است.

متأسفانه چنانکه پیش‌تر نیز عنوان شد، در میان مطالعات انجام شده در زمینه‌های نمایشی، چه در ایران و چه در سایر کشورهای مسلمان و غیر مسلمان، پیش از پایان‌نامه منشی (۱۳۹۴) مشتمل بر تحلیل، بررسی و طبقه‌بندی کلیه دیالوگ‌های قرآن کریم در چارچوب نظریه گفتمانی، موضوع دیالوگ در قرآن از منظری دراماتیک و به صورت انحصاری محور قرار نگرفته بود. سایر آثار منتشر شده در این زمینه بیشتر با محوریت بررسی وجود یا عدم وجود عناصر کلی درام در قصص قرآنی و بیش از همه سوره یوسف (ع) شکل گرفته‌اند و دیالوگ نیز به عنوان یکی از این عناصر به صورتی اجمالی مطالعه شده‌است.

۴- تحلیل داده‌ها

از آنجا که قرآن کتابی است که بخش اعظمی از آیات آن خطاب به حضرت رسول (ص) و در بخش‌های کوچک‌تری خطاب به افراد و گروه‌های دیگر بیان شده‌اند، شاید بتوان با نگاهی کلان ادعا کرد که بیشترین آیات قرآنی مونولوگ‌های غیر دراماتیکی‌اند که از سوی خداوند، با واسطه جاری شده‌اند. این در حالی است که صرف برقراری سخن و پس از آن تعامل، به خودی خود یک ویژگی دراماتیک و دیالوگ به‌مثابه گفتمان محسوب نمی‌شود. به بیان دیگر، شرط اتفاق افتادن رفت‌وبرگشت کلام در ساختار یک اثر ادبی، شرطی کافی برای دراماتیک یا بالقوه دراماتیک بودن آن اثر نیست. در ادامه، آیات ۶۹ تا ۷۳ سوره هود، ۵۱ تا ۵۸ سوره حجر، ۳۱ و ۳۲ سوره عنکبوت و ۲۴ تا ۳۴ سوره ذاریات در باب رخداد گفتاری^۱ حضور فرشتگان در منزل حضرت ابراهیم (ع)، از منظر برخوردار از شاخص‌های دراماتیک و طبقه‌بندی اقسام مختلف دیالوگ، ضمن بررسی صدق شرط محوری نمایشی بودن یا قابلیت نمایشی شدن بررسی می‌شوند.

۱. / Speech Event شرایط حاکم بر ایراد پاره‌گفت‌ها که معمولاً به هر دوی گوینده و شنونده یاری می‌رساند و فعالیتی که شرکت‌کنندگان در آن، از طریق زبان و به‌گونه‌ای متعارف، تعاملی را برای دست‌یافتن به یک نتیجه انجام می‌دهند.

۴-۱- سورة هود (مکی)

«و فرشتگان ما برای ابراهیم بشارت آوردند؛ گفتند سلام [بر تو]، گفت سلام [بر شما]، و درنگی نکرد که [ابراهیم برای آنان] گوساله‌ای بریان شده آورد (۶۹). و چون دید که دستانشان به‌سوی آن دراز نمی‌شود، به‌آن احساس بیگانگی کرد، و از آنان ترسی در دل یافت؛ گفتند مترس ما به‌سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم (۷۰). و همسر او [ابراهیم] ایستاده بود و [از احساس بشارت] خندید، آنگاه او را به [بار گرفتن و زادن] اسحاق و از نسل اسحاق به یعقوب، بشارت دادیم (۷۱). گفت وای بر من آیا در حالی که خودم پیرزنم و این شوهرم پیرمرد [فرتوت] است، فرزند می‌زایم؟ این چیزی شگفت‌آور است (۷۲). [فرشتگان] گفتند آیا از امر الهی تعجب می‌کنی؟ ای خاندان [رسالت] رحمت الهی و برکات او بر شما باد؛ او ستوده بزرگوار است (۷۳)».

در آیه ۶۹ سورة هود، بیان رخداد گفتاری مهمان‌شدن فرشتگان در منزل حضرت ابراهیم (ع) با جمله «و فرشتگان ما برای ابراهیم بشارت آوردند...» آغاز می‌شود. در همین آیه یک رفت‌وبرگشت کلام به‌صورت خوش‌وبش و در قالب یک زوج هم‌جوار^۱، میان ابراهیم نبی (ع) و فرشتگان اتفاق می‌افتد. سپس در آیه متعاقب، موقعیت حضور فرشتگان در منزل ابراهیم (ع) توصیف می‌شود که نشانگر عدم صرف غذا، گوساله بریان‌شده، به‌وسیله فرشتگان است. این مسئله موجب ترس پیامبر خدا (ع) و در نتیجه بیان پاره‌گفت‌هایی از جانب فرشتگان می‌شود. موقعیت جاری بسیار جالب توجه و مشتمل بر یک عدم کنش یعنی دست نزدن به‌غذا، یک حس یعنی ترس و در نهایت یک واکنش کلامی به‌مجموع ماوقع است. سپس در ادامه، بشارت فرشتگان به تولد فرزند ایشان، به‌صورت روایی مطرح می‌شود. در پایان بند و در آیات ۷۲ و ۷۳ نیز بار دیگر تعاملی گفتاری، این بار میان همسر ابراهیم (ع) و فرشتگان اتفاق می‌افتد.

۴-۲- سورة حجر (مکی)

«و به‌آن از مهمانان [ابراهیم] خبر ده (۵۱). هنگامی که [فرشتگان] بر او وارد شدند و سلام گفتند، گفت ما از شما هراسانیم (۵۲). گفتند مترس ما تو را به‌فرزندی دانا بشارت می‌دهیم (۵۳). گفت با وجود اینکه پیری من بالا گرفته‌است به‌من بشارت می‌دهید، به‌چه چیزی به‌من بشارت می‌دهید؟ (۵۴) گفتند ما به‌راستی و درستی به‌تو بشارت می‌دهیم، از نومیدان مباش

۱. Adjacency pair / دنباله‌های طبیعی یا ناخودآگاه تعاملات گفتاری در قالب پاره‌گفت‌های جفت‌شده و متصل

(۵۵). گفت و جز گمراهان چه کسی از رحمت پروردگارش نومید می‌شود؟ (۵۶) گفت ای فرشتگان حال، کار و بار شما چیست؟ (۵۷) گفتند ما به‌سر وقت قومی گنهکار فرستاده شده‌ایم (۵۸).»

از آیه ۵۱ سوره حجر مروری دیگر بر مهمان‌شدن فرشتگان در منزل حضرت ابراهیم (ع) و سپس رفتن ایشان نزد حضرت لوط (ع) اتفاق می‌افتد. آیه نخست از این مجموعه فضای ورود به‌ماجرا را با جمله «و به‌آنان از مهمان ابراهیم خبر ده» فراهم می‌آورد. سپس دو نوبت دیالوگ در آیه ۵۲ میان فرشتگان و پیامبر خدا جریان می‌یابد؛ به‌صورتی که بخش اول صرفاً محدود به‌واژه سلام و بخش دوم به‌جای پاسخ طبیعی به‌سلام، پاره‌گفتی از سوی ابراهیم (ع) به‌منظور بیان احساس ترس ایشان از ملائکه است. بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که از این میان پاره‌گفت‌هایی محذوف شده‌اند. در ادامه نوبت‌های بعدی گفتار، به‌صورتی پی‌درپی هر یک متناظر با یک آیه تا پایان آیه ۵۶ مطرح می‌شوند. پس از آن، با وجود آنکه گوینده از نوبت پایانی تغییری نمی‌کند، در آغاز آیه بعدی مجدداً از فعل معرف «گفت» استفاده می‌شود؛ به‌نظر می‌رسد این شیوه که در برخی دیگر از دنباله‌های گفتاری قرآنی نیز مورد استفاده قرار گرفته‌است، نشان از مکتبی درون‌نوبتی دارد. نوبت پایانی این دنباله گفتگو نیز از سوی فرشتگان بیان می‌شود.

۴-۳- سوره عنکبوت (مکی)

«و چون فرشتگان ما برای ابراهیم مژده آوردند، گفتند ما نابودگران اهالی این شهر هستیم، چرا که اهل آن ستمکارند (۳۱). [ابراهیم] گفت در آنجا لوط هم هست. گفتند ما به‌کسانی که در آنجا هستند آگاه‌تریم، او و خانواده‌اش جز همسرش را که از واپس‌ماندگان [در عذاب] است، نجات می‌دهیم (۳۲).»

در سوره عنکبوت، پس از مرور فرازی از دعوت حضرت لوط (ع)، ماجرا بار دیگر به‌حضور فرشتگان در منزل ابراهیم (ع)، پیش از عزیمت آن‌ها به‌مأموریت خود، برش می‌خورد. به‌نظر می‌رسد که عبارت «و چون...» پیش از شروع این بند، به‌عنوان تمهیدی قراردادی برای تغییر رخداد گفتاری به‌کار رفته‌است. نوبت اول گفتگو در دنباله اخیر، در آیه ۳۱ از سوی فرشتگان به‌منظور بیان هدف اصلی‌شان یعنی نابودی قوم لوط رقم می‌خورد. سپس دو نوبت بعدی گفتگو به‌صورت پی‌درپی در آیه متعاقب بیان می‌شوند؛ ابراهیم نبی (ع) نگران از آسیب رسیدن به‌شخص لوط (ع) است و فرشتگان خبر از نجات یافتن ایشان می‌دهند.

۴-۴- سورة ذاریات (مکی)

«آیا داستان مهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟ (۲۴) که چون بر او وارد شدند، گفتند: سلام، گفت: سلام [بر شما] [و در دل گفت ایشان] گروهی ناشناخته [اند] (۲۵). سپس آهسته به سوی خانواده اش رفت، آنگاه گوساله ای فربه [و بریان] به میان آورد (۲۶). پس آن را نزدیک ایشان نهاد، گفت: چرا نمی خورید؟ (۲۷) سپس از آنان ترسی در دل یافت؛ گفتند: مترس، و او را به فرزندی دانا بشارت دادند (۲۸). آنگاه زنش با آوایی [بلند] رو [به او] آورد و بر چهره اش چک زد و گفت: [چگونه فرزند بزریم که من] پیرزنی نازا هستم (۲۹). [فرشتگان] گفتند: پروردگارت چنین فرموده است، که او فرزانه داناست (۳۰). گفت: ای فرشتگان کاروبار شما چیست؟ (۳۱) گفتند: ما به سر وقت قومی گنهکار فرستاده شده ایم (۳۲). تا بر آنان سنگواره ای از گل فرو باریم (۳۳). که [هر یک] از جانب پروردگارت نشان کرده است [و] خاص تجاوزکاران است (۳۴)».

در آیه ۲۴ سورة ذاریات به عنوان مقدمه مروری بر مقطعی از سرگذشت ابراهیم (ع)، چنین می خوانیم «آیا داستان مهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟». سپس در آیه متعاقب، بی درنگ دو نوبت نخست گفتگو میان فرشتگان و پیامبر خدا اتفاق می افتد. نکته جالب توجه درباره پاره گفت های منقول در این نوبت ها، این است که نخست به نظر می رسد تنها یک جفت هم جوار خوش و بش هستند؛ حال آنکه در ادامه نوبت دوم از سوی ابراهیم (ع) جمله ای در قالب کنارگویی بیان می شود. ایشان در واکنش به سلام فرشتگان، سلام می گویند و در ادامه کلام خود، آنان را گروهی ناشناخته می خوانند. مترجم نیز در ترجمه این آیه پیش از جمله دوم ابراهیم نبی (ع)، عبارت «[و در دل گفت ایشان]» را قرار داده است و بنابراین می توان نیمه دوم سخنان ابراهیم (ع) را کنارگویی در نظر گرفت که بی شک هدف از بیان آن، شنیده شدن به وسیله مهمانان ناشناس نبوده است.

در ادامه ماجرا، هنگام صرف شام در منزل پیامبر خدا فرا می رسد. نوبت نخست از ادامه این مجموعه در آیه ۲۷، ضمن توضیح حالت بیان آن از سوی ابراهیم (ع) مطرح می شود و شامل فراخواندن مهمانان است. نوبت بعدی در آیه متعاقب و مشتمل بر واکنش آنان به ترس و نگرانی آن حضرت رقم می خورد. در ادامه این آیه نیز، به شکلی گزارشی، در می یابیم که فرشتگان بشارت تولد فرزندی را به ابراهیم (ع) می دهند. سپس نوبت سوم این رخداد گفتاری، واکنش همسر حضرت ابراهیم (ع) به مژده فرشتگان است؛ درباره چگونگی ادای پاره گفت های این نوبت نیز در آیه ۲۹، توضیحاتی در باب حالت و کنش های شخص گوینده بیان می شوند. همچنین در آیه متعاقب، نوبت بعدی متناظر با یک آیه، بار دیگر در اختیار فرشتگان

بشارت‌دهنده قرار می‌گیرد. سپس در ادامه، ابراهیم (ع) در آیه ۳۱ از فرشتگان مأموریت اصلی‌شان را جویا می‌شود و بدین ترتیب، نوبت بعدی گفتگو رقم می‌خورد. متعاقب آن، فرشتگان تا پایان آیه ۳۴ ماجرای نزول عذاب قوم لوط را بیان می‌کنند. تعامل جاری در رخداد گفتاری حضور فرشتگان در منزل حضرت ابراهیم (ع) را در مجموع آیات چهار سوره مذکور می‌توان با توجه به ترتیب نوبت‌های طرفین برقراری دیالوگ و توضیحات مشروح در باب صحنه، در قالب جدول ۱-۳ ادغام کرد.

جدول ۱-۳

سوره	هود	حجر	عنکبوت	ذاریات	گوینده دیالوگ
م ^۱	سلام	سلام	-	سلام	
الف ^۲	سلام	-	-	سلام [کنارگویی] گروهی ناشناخته	
شرح صحنه	[الف برای م گوساله بریان آورده و از عدم صرف غذای م می‌ترسد]	-	-	[الف سپس آهسته به سوی خانواده‌اش رفت، آنگاه گوساله‌ای فربه [و بریان] به میان آورد. پس آن را نزدیک ایشان نهاده]	
الف	-	ما از شما هراسانیم	-	چرا نمی‌خورید؟	
ن	مترس ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم	مترس ما تو را به فرزندتی دانا بشارت می‌دهیم	-	مترس	
شرح صحنه	[ه- که ایستاده‌است، می‌خندد]	-	-	-	
ه ^۳	وای بر من آیا در حالی که خودم پیرزنم و این شوهرم پیرمرد [فرتوت] است، فرزند می‌زایم؟ این چیزی شگفت‌آور است	-	-	[به صورت خود می‌زند و با آوایی بلند] پیرزنی نازا هستم	

۱. ملائکه

۲. حضرت ابراهیم (ع)

۳. همسر حضرت ابراهیم (ع)

الف	-	با وجود اینکه پیری من بالا گرفته است، به من بشارت می دهید، به چه چیزی به من بشارت می دهید؟	-	-
م	[به هـ] آیا از امر الهی تعجب می کنی؟ ای خاندان [رسالت] رحمت الهی و برکات او بر شما باد؛ او ستوده بزرگوار است	[به الف] ما به راستی و درستی به تو بشارت می دهیم، از نومیدان مباش	-	[به هـ] پروردگارت چنین فرموده است، که او فرزانه داناست
الف	-	و جز گمراهان چه کسی از رحمت پروردگارش نومید می شود؟ [مکت] ای فرشتگان حال، کار و بار شما چیست؟	-	ای فرشتگان کاروبار شما چیست؟
م	-	ما به سر وقت قومی گنهکار فرستاده شده ایم	-	ما به سر وقت قومی گنهکار فرستاده شده ایم. تا بر آنان سنگواره ای از گل فرو باریم. که [هر یک] از جانب پروردگارت نشان کرده است [و] خاص تجاوزکاران است.
الف	-	-	-	گفت در آنجا لوط هم هست.
م	-	-	-	ما به کسانی که در آنجا هستند آگاه تریم، او و خانواده اش جز همسرش را که از واپسماندگان [در عذاب] است، نجات می دهیم

۵- نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده را از مطالعه، بررسی، تحلیل و طبقه‌بندی انواع دیالوگ‌های قرآنی در باب رخداد گفتاری حضور فرشتگان در منزل حضرت ابراهیم (ع) در آیات ۶۹ تا ۷۳ سوره هود، ۵۱ تا ۵۸ سوره حجر، ۳۱ و ۳۲ سوره عنکبوت و ۲۴ تا ۳۴ سوره ذاریات، می‌توان از زوایای مختلفی مرور کرد. چنانچه مشاهده شد، این رخداد گفتاری تنها در سوره‌های مکی مطرح شده‌است که اساساً شمول بیشتری بر رخداد‌های دراماتیک دیالوگ‌محور دارند.

با وجود آنکه شکل ساده و استاندارد تعامل گفتاری در قالب تبادل سخن میان دو نفر اتفاق می‌افتد و حضور مشارکت‌کنندگان بیش از این تعداد، منجر به مراتب پیچیدگی آن می‌شوند، رخداد گفتاری مذکور، نشانگر آن است که در قرآن ساختارهای تعاملی چندسویه بسیاری نیز وجود دارد که بر ارزش‌های دراماتیک آن می‌افزایند. افزون بر این، نمونه‌های اخیر در این رخداد گفتاری مبین آنند که اقسام دیگر سخن دراماتیک- در اینجا به‌طور مشخص نوع کنارگویی- نیز در خلال آیات گفتگویی وجود دارند که بسیار جالب توجه است. همچنین در بیشتر موارد در خصوص چگونگی ادای کلام، توصیفی مضاف بر دستور صحنه ذکر نشده‌است. بنابراین مسئولیت القای حال و هوای جاری به دیالوگ‌ها محول می‌شود و فضای حاکم بیشتر از خلال پاره‌گفت‌های مطروح قابل استنباط است.

از طرف دیگر، در هر یک از سوره‌ها برای ورود به مقطع رخداد داستانی و انفصال آن از آیات پیشین، تمهیداتی در دیالوگ‌های قرآن اتخاذ شده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به بهره‌گیری از عباراتی اشاره کرد که نشان از مبعوث شدن حضرت ابراهیم (ع) دارند و یا جملاتی قراردادی و تکرارشونده که در ابتدای رخدادها به‌مانند کنار رفتن پرده‌های صحنه نمایش و آمدن نور عمل می‌کنند. به‌علاوه اشاره «آنگاه» در آیات و جملات نیز دال بر فاصله زمانی میان مواقع پیش و پس از آن است.

نکته حائز اهمیت دیگر به یک کیفیت ظریف گفتاری بر می‌گردد که در نگاه نخست، گمان نمی‌رود در متن قرآن قابل اعمال و همین‌طور دریافت باشد. مکث و وقفه کیفیاتی‌اند که در خلال تعاملات گفتاری به‌اشکال مختلفی از جمله درون‌نوبتی و میان‌نوبتی قابل اجرا هستند. این کیفیات در متون دراماتیک، گاه در قالب سه‌نقطه در نمایشنامه قید می‌شوند و گاهی نیز مسئولیت اعمال آن‌ها به‌زمان جان‌گرفتن نمایشنامه بر صحنه نمایش واگذار می‌شود. چنانچه مشاهده شد، در قرآن تمهیدی متفاوت یعنی استفاده از دو فعل معرف در خلال نوبت یک‌گوینده برای القای احساس مکث و وقفه به‌کار رفته‌است.

در خاتمه می‌توان گفت که قرآن کریم به‌عنوان یک کتاب آسمانی و متنی روایی که با اهدافی جز اجرای نمایشی نازل شده‌است، واجد ویژگی‌های دراماتیک بسیاری است که به‌طور طبیعی به دیالوگ‌های آن نیز سرایت کرده و منجر به دیالوگ‌محور بودن بخش اعظمی از آن شده‌است. دیالوگ‌های دراماتیک ارزشمندی که به‌افتضای موضوع، طرح، بافت، فضا، شخصیت‌پردازی و... در انواع متفاوتی بروز یافته و راه را برای نگارش اقتباس‌هایی وفادارانه و تماماً مبتنی بر متن تعاملات موجود در قصص و رخدادهای مطروح قرآنی هموار کرده‌اند.

۶- منابع

- قرآن کریم، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: دوستان، چاپ پنجم، ۱۳۹۲.
- اکبری، عطیه (۱۳۹۰)، «تحلیل و بررسی گفتمان (دیالوگ)‌های قرآنی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، الهیات و معارف اسلامی، قم.
- الام، کر (۱۳۹۲)، *نشانه‌شناسی تئاتر و درام*، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: قطره، چاپ پنجم.
- الباستانی، محمود (۱۳۷۱)، *پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن*، ترجمه محمدحسین جعفرزاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- الخطیب، عبدالکریم (۱۹۷۵)، *القصص القرآنی فی منظوفه و مفهومه*، بیروت: دارالمعرفه.
- بولتن، مارجوری (۱۳۸۲)، *کالبدشناسی درام*، ترجمه رضا شیرمرز، تهران: قطره.
- بوهم، دیوید (۱۳۸۱)، *درباره دیالوگ*، جمع‌آوری و تدوین لی نیکول، ترجمه علی حسین‌نژاد، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پرونر، میشل (۱۳۸۵)، *تحلیل متون نمایشی*، ترجمه شهناز شاهین، تهران: قطره.
- پیامنی، بهناز (۱۳۹۱)، «رویکرد به‌ویژگی‌های گفتاری شخصیت در داستان‌های قرآن»، *سراج منیر*، دوره سوم، شماره ۶: صص ۱۴۴-۱۶۴.
- تیریز، نادیا (۱۳۹۱)، «گفتگوهای خدا با پیامبران و غیر پیامبران در قرآن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، الهیات، علامه طباطبایی.
- خراسانی، زهرا (۱۳۸۴)، *نقش گفتگو در قصه‌های قرآنی*، تهران: اسوه.

- زینی‌وند، تورج و حسین وحیددستجردی (۱۳۹۰)، «درآمدی توصیفی-تحلیلی بر شیوه‌های گفت‌وگو در قرآن کریم»، پژوهش‌های اسلامی، سال پنجم، شماره ۷: صص ۴۵-۶۷.
- سپهری‌نیا، مریم (۱۳۸۸)، «تحلیلی از توحیدمحوری در گفت‌گوهای قرآن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، علوم انسانی، کاشان.
- شاددل، مرضیه (۱۳۹۲)، «تحلیل عنصر گفتگو در داستان‌های قرآنی با تکیه بر داستان‌های نوح (ع) و حضرت موسی (ع)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات، ادبیات و زبان‌های خارجی، کاشان.
- شاکر، محمدکاظم و عطیه اکبری (۱۳۹۲)، «دیالوگ در قرآن: گونه‌ها و درون‌مایه‌ها»، کتاب قیام، سال سوم، شماره ۸: صص ۲۷-۴۹.
- صفری، حمزه (۱۳۷۸)، «گفت‌وگوی پیامبران با ملت‌ها در قرآن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، آزاد اسلامی اراک.
- طاهری‌نیا، علی‌باقر و علی نظری و مریم بخشی (۱۳۸۹)، «تکلم و گفت‌وگوی حیوانات در قرآن کریم»، لسان مبین، دوره دوم، شماره ۱: صص ۱۷۹-۱۹۶.
- عثمان ضمیره، معن محمود (۲۰۰۵)، «الحوار فی القرآن الکریم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات، النجاح الوطنیه، نابلس، فلسطین.
- فالر، راجر و رومن یاکوبسن و دیوید لاج (۱۳۶۹)، زیان‌شناسی و نقد ادبی، ترجمه حسین پاینده و مریم خوزان، تهران: نی.
- فضل‌ا...، سید محمدحسین (۱۳۸۹)، گفت‌وگو و تفاهم در قرآن کریم: روش‌ها، الگوها و دستاوردهای گفتگو، ترجمه حسین میردامادی، تهران: هرمس، چاپ دوم.
- فنائیان، تاجبخش و مهدی فنائیان (۱۳۹۳)، «چگونگی کارکرد انواع گفت‌وگو در قرآن مجید با تأکید بر آیه ۹ تا ۳۷ سوره طه»، تئاتر، دوره -، شماره ۵۶: صص ۱۲۱-۱۴۴.
- فیستر، مانفرد (۱۳۸۷)، نظریه و تحلیل درام، ترجمه مهدی نصراله‌زاده، تهران: مینوی خرد.
- قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۹۱)، شوق گفت‌وگو و گسترده‌گی فرهنگ تک‌گویی در میان ایرانیان، تهران: دات.
- قطب، سید (۱۹۶۸)، التصوير الفنی فی القرآن، بیروت: دارالشروق.

مکی، ابراهیم (۱۳۷۱)، *شناخت عوامل نمایش*، تهران: سروش.

میرلوحی، سیده ریحانه (۱۳۸۳)، «گفتگو در قرآن کریم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، زبان‌های خارجی، اصفهان.

نوبل، ویلیام (۱۳۹۲)، *راهنمای نگارش گفتگو*، ترجمه عباس اکبری، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، چاپ چهارم.

یول، جورج (۱۳۹۱)، *کاربردشناسی زبان*، ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، تهران: سمت، چاپ پنجم.

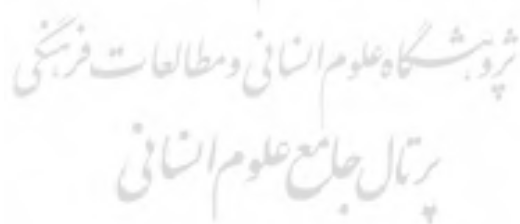
Byron, Glennis (2003), *Dramatic Monologue*, New York: Routledge.

Culpeper, Jonathan (2014), *Language and Characterisation, people in plays and other texts*, New York: Routledge.

Herman, Vimala (1995), *Dramatic Discourse: Dialogue as Interaction in Plays*, London: Routledge.

Mir, Mustansir (1992), "Dialogue in the Qur'an", *Religion & Literature*, No.1: pp 1-22.

Styan, J.L. (1988), *The Dramatic Experience*, London: University of Cambridge, 5th Edition.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی